

درباره رهنمودهای غلط به مناسبت روز کارگر

همه ساله سازمانهای کمونیست به مناسبت روز کارگر اعلامیه هایی منتشر می کنند و در آنها ضمن ارائه تحلیل خود از شرایط کشوری و جهانی در سالی که گذشت، رهنمودها و توصیه هایی به کارگران می دهند. همین تحلیلها و رهنمودها می توانند معیاری برای قضاوت درباره میزان پیوند آن سازمانها با جنبش کارگری ایران و خلوص ایدئولوژی ایشان باشد. در زیر بطور خلاصه به دو اعلامیه از طرف سازمان فدائیان (اقلیت) و حزب کمونیست ایران می پردازم. البته نکاتی در این دو اعلامیه موجودند که مختص به گروههای فوق نیستند و نشانگر گرایش وسیع تری هستند که برخی فعالان چپ از آن طرفداری می کنند.

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) با عنوان «اول ماه مه، روز همبستگی، اعتراض و مبارزه مشترک کارگران سراسر جهان» ابتدا به لزوم همبستگی جهانی کارگران می پردازد و سپس مختصری از وضع اسفبار طبقه کارگر در ایران را بیان می کند. مهم ترین بخش بیانیه قسمتی است که می نویسد «... بکوشیم به رغم موانعی که رژیم دیکتاتوری عریان ایجاد کرده، توده های کارگر، همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان، در جریان یک مبارزه علنی به نمایش بگذارند. اول ماه مه، روز اعتراض و مبارزه مشترک کارگران سراسر جهان، از طریق راهپیمایی، تظاهرات و گردهم آئی توده ایست، در این اعتراضات فعالانه شرکت کنیم.»

ملاحظه می شود که سازمان به اعضا و هواداران خود رهنمود داده که تلاششان را صرف «یک مبارزه علنی» نمایند و تنها اشکال مبارزه مجاز را «راهپیمایی، تظاهرات و گردهم آئی توده ای» ذکر کرده است. به زبان ساده، این بدین معناست که تنها اشکال علنی و پرسر و صدای مبارزه پذیرفتنی هستند و نباید کاری غیرعلنی انجام داد هر چند که شرایط برای مبارزه علنی گسترده فراهم نباشد اما بتوان اقدامات غیرعلنی مؤثری انجام داد.

اطلاعیه حزب کمونیست ایران به مناسبت روز کارگر با اینکه تحلیل بهتر و مشخص تری از اوضاع ارائه می دهد و همچنین تهییج کننده تر است، اما وجه مشترک آن با اعلامیه قبلی رهنمودی است که به کارگران می دهد: «تلاش برای برپا داشتن اجتماعات کارگری در اول ماه مه، در صدر وظایف فعالین و پیشروان جنبش کارگری قرار گرفته است ... باید تلاش کرد که توده هر چه وسیعتری از کارگران را متحد و یکپارچه به مرکز شلوغی شهرها آورد.»

بسیار خوب. آیا نویسندگان اعلامیه های بالا حاضرند مسئولیت نوشته هایشان را برعهده گیرند؟ آیا حاضرند با صراحت بگویند که در شرایطی که طبقه کارگر سازماندهی و آگاهی طبقاتی مناسب و کافی ندارد و با حکومتی درنده خو، جنایتکار و بی رحم مواجه است، اجتماع و تظاهرات خیابانی می تواند شکل مفیدی از مبارزه باشد؟ یا پیش بینی کرده اند که اگر عده ای از کارگران رهنمودشان را پذیرفتند، بطور علنی برای تظاهرات به مرکز شلوغی شهرها رفتند، در جدالی نابرابر با سرکوبگران مسلح و بی رحم مغلوب شدند، به زندانهای قرون وسطایی افتادند و در نتیجه کارگران از وجود رفقای پیشرو و مبارزشان در صفوف خود محروم گشتند، آن وقت چه باید کرد؟

هیچ یک از دو گروهی که در بالا مواضع شان ذکر شد، تحلیل قابل قبولی از شکست کارگران در جریان مراسم روز کارگر سال ۱۳۸۸ (یعنی آخرین باری که سعی شد روز کارگر بطور علنی و در ابعاد وسیع برگزار شود) ارائه نداده اند. آنها یا به نحوی یک جانبه از آن ستایش کرده اند (بدون اینکه توضیح دهند که اگر آن حرکت صحیح بود چرا نتیجه اش آنقدر ناامید کننده شد و دیگر کسی رغبتی به تکرار آن ندارد)، و یا با سکوت از کنارش گذشتند.

لنین می نویسد «تا زمانی که ما سازمانهای انقلابی کاملا منسجمی که بتوانند گروههای منتخبی از مردم را برای هدایت همه جانبه تظاهرات جمع کنند نداشته باشیم، همواره با عدم موفقیت روبرو خواهیم بود» (درباره تظاهرات، اکتبر ۱۹۰۲). لنین این اصلی کلی که کارگران بدون آگاهی طبقاتی و غیرمتشکل قادر به مبارزه طبقاتی نیستند را در موردی مشخص به تصویر می کشد. کارگری که درست نمی داند به عنوان عضوی از طبقه کارگر (و نه کارگری منفرد) چه می خواهد، از کجا باید بفهمد که در خیابان چه شعاری را سردهد و از کدام جریان سیاسی حمایت کند؟ و چنانچه نتواند به همراه سایر کارگران قدرت منفرد ناچیز شخص خود را در سازمانی طبقاتی ادغام کند که این قدرتهای ناچیز کارگران منفرد را به قدرت واحد و عظیم طبقه کارگر تبدیل می کند، چه انتظاری می توان از او داشت؟ رهنمود فوق الذکر نشان می دهد که علیرغم اینکه برخی در گفتار خودبخود گرایی را رد می کنند اما در عمل همان خودبخود گرایی را نمایشان است. آنها بدون انجام وظایف خود به عنوان کمونیستها، از کارگران انتظار دارند که یک شبه راه صد ساله را طی کنند. اما دقیقا همین عدم انجام وظایف است که باعث می شود نتوانیم انتظار تجمعات گسترده در روز کارگر را داشته باشیم و اگر سعی شود در چنین شرایطی تجمع گسترده علنی برگزار گردد، نتیجه آن بهتر از سال ۱۳۸۸ نخواهد شد، یعنی علیرغم وارد آمدن صدمات فراوان و سنگین، نتیجه قابل قبولی حاصل نمی شود.

پس چه باید کرد؟ می توان بدون هیاهو تاکتیکهای مبارزاتی متناسب با شرایط کنونی جنبش را در روز کارگر اجرا کرد. می توان با پخش اعلامیه و شعارنویسی در محلات کارگری، سعی کرد آگاهی سیاسی و طبقاتی را بین کارگران برد و در صورت امکان با برگزاری تجمعات محدود، بدون اعلام قبلی و به نحوی که توجه نیروهای سرکوبگر را جلب نکند، مراسم علنی ای نیز برگزار نمود. بدین ترتیب می توان با تبلیغ مؤثر همبستگی طبقاتی و گسترش آگاهی سیاسی، دراز مدت زمینه را برای تجمعات گسترده علنی مهیا کرد. اما اگر با این توهم به میدان رویم که همین امروز می توان تظاهرات خیابانی وسیع برگزار کرد، چیزی جز شکست و اخلاص در روند سازماندهی و آگاه سازی کارگران نصیبمان نخواهد شد.

به علاوه، همانطور که قبلا گفته شد رهنمود دهندگان فوق خودشان وظایفشان را به عنوان کمونیست انجام نداده و در پراکندگی تشکیلاتی و سردرگمی ایدئولوژیک دست و پا می زنند. متأسفانه اگر آنها امروز اعتباری دارند بخاطر نقشی است که در گذشته دور در مبارزات مردم ایران داشته اند و نه نقشی که امروز دارند. در این شرایط اگر کارگران بپا خیزند، آیا این قبیل سازمانها قادر به رهبری ایشان خواهند بود؟ فکر نمی کنم حتی خود اعضای این سازمانها نیز به این سؤال پاسخ مثبت بدهند. وقتی آنها اینقدر هماهنگی و اتحاد ندارند که حداقل رهنمودشان را یکصدا به کارگران بگویند و هر یک در اعلامیه جداگانه ای موضع کم و بیش یکسانی را با کلماتی متفاوت بیان می کند، کارگری که همه اعلامیه ها را می خواند از خود خواهد پرسید به حرف کدام گوش کند؟ حزب کمونیست، فدائیان یا غیره؟ اگر هر دو یک چیز را می خواهند پس چطور نمی توانند همدیگر را تحمل کنند؟ و اگر نمی توانند همدیگر را تحمل کنند و بر سر یک مسئله ساده حتی موقتا متحد شوند، چطور از کارگران ساده - که ادعای کمونیست و انترناسیونالیست بودن ندارند - انتظار دارند در سطح کشوری و جهانی متحد گردند؟ پس اگر کارگر به این نتیجه رسد که ادعای کمونیست بودن آنها پوچ است و این قبیل گروهها به شعاری که می دهند اعتقاد ندارند، نباید از دست او ناراحت شد.

امیدوارم که سازمانهای فوق الذکر و همه کمونیستها و کارگران پیشرو با در دست گیری محکم
آموزشهای سوسیالیسم علمی و روحیه پرولتری بتوانند بر ضعفها و کاستیهای خود غلبه نمایند و
جنبش کارگری را به پیروزی رهنمون شوند.

ج.ر.

۱۳۹۳/۲/۷